

نگرشی بر قانون اساسی فنلاند^۱

نوشته تور مودین^۲

ترجمه: بیژن عباسی^۴

چکیده

این مقاله به بررسی تحولات قانون اساسی کشور فنلاند و تصویب متن جدید آن در سال ۲۰۰۰ می پردازد. اما چرا فنلاند را برای یک بررسی حقوقی برگزیده ایم؟ معمولاً پژوهش حقوقدانان ما بیشتر درباره نظام حقوقی فرانسه، امریکا، انگلیس و غیره متمرکز است، در حالی که افزون بر الگوهای یاد شده، می توان از تجربیات نظام حقوقی اسکاندیناوی با ویژگی هایی همانند اصل قانونمندی، حمایت از حقوق اجتماعی، نظام انتخاباتی تناسبی، تشکیل دولتهای ائتلافی و غیره بهره برد و درس گرفت.

کلیدواژه ها: قانون اساسی، اتحادیه اروپا، نظام حقوقی.

^۱ تاریخ دریافت: ۱۳۸۴/۸/۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۴/۱۰/۲۶

^۲ نوشته حاضر ترجمه مقاله زیر است :

MODEEN (TORE), " La Constitution finlandaise, Aperçu général ", *Revue française de droit constitutionnel*, n° 44/2000, p. 937-949.

^۳ Tore Modeen استاد بازنشسته دانشگاه هلسینکی " l'Université de helsinki- helsingfors " است. وی چندین مقاله در باره

حقوق اساسی فنلاند بویژه در دوره پیش از اصلاح قانون اساسی در سال ۱۹۹۹، به رشته تحریر در آورده که در کتابهای زیر می توان یافت :

Multilingual Cities and Language policies – Villes plurilingues et politiques linguistiques, édité par Kjell Herberts (publication n° 36 du département des sciences sociales de" l'Université èbo Academi, Vasa, 1999, p. 277-288.

Parlement et administration en Finlande, *Annuaire européen d'administration politique*, n° 4/1981, p. 94-104.

Scandinavie. Dictionnaire constitutionnel, publié sous la direction de Olivier Duhamel et Yves Mény, paris, 1992, p. 946-949.

در مورد نظام حقوق اساسی فنلاند پیش از اصلاح ۱۹۹۹ می توان به آثار زیر نیز مراجعه کرد :

MERIKOSKI (V.), *Précis de droit public de la Finlande*, Helsinki, 1954.

KASTARI (P.), *Le système constitutionnel de la Finlande et son développement. Constitution de la Finlande*, Helsinki, 1969, p. 3-30.

^۴ دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه نانت فرانسه.

مقدمه

۱- تاریخ

پیش از سال ۱۹۱۷، تاریخ حقوق اساسی فنلاند با وابستگی این کشور به دیگر دولتها، پیوندی تنگاتنگ دارد. تا سال ۱۸۰۹ فنلاند بدون داشتن وضعیت حقوقی خاصی به کشور سوئد تعلق داشت، بنابراین، قوانین اساسی این کشور بر فنلاند نیز حکمفرما بود. تا این سال که فنلاند تبدیل به یکی از استانهای روسیه شد متون اساسی معتبر سوئد عبارت بودند از متن مربوط به شکل دولت (regeringsform) مصوب ۱۷۷۲، بازنگری جزئی متن توسط پیمان اتحاد و امنیت مصوب ۱۷۸۹، دو متن مصوب شاه گوستاو سوم (Gustave III) شامل قانون قدیمی ارگانیک دیت [مجلس سوئد Diète] مصوب ۱۶۱۷ (قانون ارگانیک مصوب ۱۷۲۳ ملغا شده) و همچنین موضوع امتیازات چهار طبقه (اشراف، روحانیت، بورژوازی و کشاورزان)^۵.

در سال ۱۸۰۹، نمایندگان چهار طبقه فنلاند توسط الکساندر نخست، امپراتور روسیه و در عین حال دوک بزرگ فنلاند به شهر بورگو (Borgo) فراخوانده شدند. در این فراخوان، وی اعلام کرد که قصد «تضمین و حفظ قوانین بنیادی فنلاند» را دارد.

این اعلامیه به عنوان تعهد امپراتور به تبدیل شدن این دوک نشین بزرگ به یک استان خودمختار تفسیر گردید. به دلیل اینکه این دوک نشین دارای یک قانون اساسی مستقل نبود، اجرای متون اساسی دوره حاکمیت سوئد در این سرزمین ادامه یافت و امپراتور روسیه نقش پادشاه مقرر شده در قانون اساسی سوئد را به عهده گرفت.^۶

در دوره حاکمیت روس (۱۹۱۷ — ۱۸۰۹) موازین متعددی جهت ایجاد نوع خاصی از حکومت برای دوک نشین فنلاند پیشنهاد شد ولی هیچ یک از آنها به نتیجه ای نرسید. با این وجود، دیت [مجلس فنلاند]، چندین بار دستخوش تغییر قرار گرفت، نخست در سال ۱۸۶۹ و سپس در سال ۱۹۰۶. قانون ارگانیک مجلس نمایندگان مصوب ۱۹۰۶ پی ریزی یک نظام نوین انتخاباتی را نوید داد: از این پس شهروندان اعم از مرد و زن در یک شرایط برابر، ۲۰۰ نفر را به عنوان نماینده مجلس بر می گزینند.

^۵ گفتنی است که در فرانسه پیش از انقلاب ۱۷۸۹ فقط سه طبقه مرکب از اشراف، روحانیت و طبقه سوم معروف به (tière état) که متشکل از بورژوازی و کشاورزان بود، وجود داشت. در ایران آنگونه که از فرمان مشروطیت ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ بر می آید طبقات مختلف اجتماعی عبارت بودند از شاهزادگان، علما، خاندان قاجار، اعیان، اشراف، ملاکین، تجار و اصناف (مترجم).

^۶ بر اساس معاهده فردریکشم "le Traité de Fredriksham" مورخ ۱۷ سپتامبر ۱۸۰۹ میان سوئد و روسیه، فنلاند به روسیه واگذار شد. در ضمن، پیشتر، تزار روس طبق پیمان بورگو "l'Acte de Borgo" مورخ ۲۷ مارس ۱۸۰۹ تضمینات لازم جهت حفظ و استمرار قوانین بنیادی فنلاند را به مردم این کشور داده بود و می بایست متون اساسی سوئد از جمله قانون اساسی ۱۷۷۲ نیز توسط روسیه رعایت می گردید (بنگ به ترجمه مقاله ای زیر عنوان «ریشه فراملی چند قانون اساسی» توسط نگارنده در ش ۱ همین نشریه، ص ۲۳۱-۲۳۲).

قانون اساسی گوستاو به جهت دادن وضعیت خودمختاری به فنلاند و اجرای اصل قانونمداری در حکومت و اداره کشور، ضمانت گرانبهایی برای این کشور به شمار می آمد. اما با این وجود، این قانون قواعدی مبنی بر روابط میان این دوک نشین با روسیه به لحاظ حقوق اساسی پیش بینی نکرده بود. در عهد حاکمیت روس، گروههای ملی گرای فنلاند بطور قاطع، پیگیر وضعیت خاص این دوک نشین از لحاظ حقوق اساسی بودند. خودمختاری فنلاند تا حدودی توسط حاکمان دست نشانده تا واپسین سالهای تسلط روس رعایت می شد، اما این وضعیت خاص و بالطبع قانون اساسی فنلاند در پایان این دوره، بطور جدی توسط امپراتور روس و حاکمانش نقض گردید.

۲- قانون شکل حکومت [یا قانون اساسی] مصوب سال ۱۹۱۹ و بازنگریهای دهه ۱۹۲۰

پس از برکناری امپراتور روس توسط انقلابیها، فنلاند استقلال خود را در سال ۱۹۱۷ اعلام داشت. یک قانون اساسی جمهوریخواه در ۱۷ ژوئیه ۱۹۱۹ تصویب و اعلام گردید و تا ۱۹۲۸ قانون ارگانیک مجلس این کشور مصوب ۱۹۰۶ نیز به قوت خود باقی ماند.

دو قانون عادی ماهیتا اساسی در جریان سالهای بعد توسط مجلس به تصویب می رسد که عبارتند از: قانون مصوب سال ۱۹۲۲ درباره حق مجلس نمایندگان در بررسی قانونی بودن مصوبات اعضای هیات وزیران، کارگزار عدالت (*le chancelier de justice*)^۷ و (از ۱۹۹۰) ناظر پارلمانی (*ombudsman*)^۸، قانون دیگر مصوب سال ۱۹۲۲ درباره یک دادگاه عالی "*la Haute Cour*"^۹ است که مسئول رسیدگی به خطاهای ارتكابی در اجرای وظیفه توسط وزیران، بلند مرتبه ترین قضات و دو مامور مراقب قانونی بودن امور [کارگزار عدالت و ناظر پارلمانی] می باشد. مقررات مربوط به خودمختاری جزایر آلاند (*Alland*)^{۱۰}، از سال ۱۹۲۲ همانند مواد قانون اساسی مورد احترام و حمایت می باشند.

امتیازات عرفی طبقات اجتماعی نیز به موجب قانون مصوب سال ۱۹۹۵ لغو گردیده اند.

تا سال ۲۰۰۰ متنها یادشده، مقررات اساسی جمهوری فنلاند را تشکیل می دادند.^{۱۱}

البته باید خاطر نشان کرد که قانون اساسی [معروف به شکل حکومت] مصوب ۱۷ ژوئیه ۱۹۱۹ در مدت هشتاد ساله اجرای آن، چندین بار دستخوش بازنگری قرار گرفته است. برای نمونه، اصول مربوط به آزادیهای عمومی در سال ۱۹۹۵ مورد تجدید نظر قرار گرفت و بوسیله اصول جدیدی در خصوص حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان تکمیل گردید.

^۷ درباره این مرجع بنگ به ص ۸ (مترجم).

^۸ *ombudsman* مقامی مستقل است که مسئول بررسی شکایات شهروندان علیه ادارات دولتی می باشد. چنین نهادی نخست در کشورهای اسکاندینا و سپس در کشورهای دیگری مانند کانادا پایه گذاری شد؛ برای توضیحات بیشتر بنگ به ص ۸ (مترجم).

^۹ درباره این مرجع بنگ به ص ۸ (مترجم).

^{۱۰} اکنون مقررات یادشده در قانون مصوب سال ۱۹۹۱ گنجانده شده است.

^{۱۱} در زبان حقوقی فنلاندی، برای متمایز کردن یک متن دارای ارزش اساسی، از واژه قانون بنیادی (به فنلاندی، *perustuslaki* "به سوئدی *grundlag* ") بهره جسته می شود.

قانون اساسی نوینی در سال ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ به تصویب رسید و در ۱ مارس ۲۰۰۰ به موقع اجرا گذاشته شد. یکی از علل تجدید نظر در قانون اساسی در سالهای ۱۹۹۵ و ۱۹۹۹، عضویت فنلاند در شورا و اتحادیه اروپا بود. در واقع، فنلاند می خواست با یک قانون اساسی متناسب یک دولت عضو، وارد این سازمانهای بین مللی شود.

۳- قانون اساسی نوین

قانون اساسی سال ۱۹۹۹ منتشر شده در ۱۱ ژوئن ۱۹۹۹، جایگزین همه متنهای اساسی یادشده در بالا گردید.^{۱۲} البته باید گفت که این قانون تنها تدوین و بازنویسی مقررات اساسی لازم الاجرای گذشته نیست، بلکه تغییرات نسبتاً مهمی را نیز دربر می گیرد.

۴- فنلاند دو زبانه

یکی از نتایج تعلق فنلاند به کشور پادشاهی سوئد به مدت هفت سده، این است که زبان و تمدن سوئد بطور انکار ناپذیری کشور و سکنه فنلاند را زیر تاثیر قرار داده است. حتا پس از فتح فنلاند توسط روسیه، این کشور به مدت طولانی ویژگی سوئدی خود را حفظ کرد. خودمختاری فنلاند منجر به این شد که زبان و تمدن روس برای ساکنان این کشور بیگانه بماند. فقط در واپسین سالهای حکومت روس بود که زبان روسی به عنوان زبان رسمی دوک بزرگ فنلاند به همراه زبانهای سوئدی و فنلاندی معرفی گردید.

بیشتر جمعیت این کشور به زبان فنلاندی صحبت می کنند. در دوره حاکمیت سوئد و در آغاز حکومت روس بر این سرزمین، از زبان فنلاندی به عنوان زبان نوشتار کمتر استفاده شد، بنابراین، زبان یادشده به مدتی طولانی کمتر توسعه پیدا کرد. این زبان فقط در پایان سده نوزده، توانست به یک جایگاه رسمی دست یابد؛ مدرسه های فنلاندی نیز در همین دوره پایه ریزی شدند. این امر سبب پیشرفت شتاب آمیز این زبان گردید، بطوری که پس از این سده، این زبان، تبدیل به زبان چیره در زندگی عمومی و خصوصی فنلاند شد. باوجود این، زبان سوئدی جایگاه خود را به عنوان زبان دوم کشور و زبان تدریس در شمار بسیاری از موسسه های آموزشی و در همه مقاطع تحصیلی، همچنان حفظ کرده است.

بر پایه اصل ۱۷ قانون اساسی، فنلاندی و سوئدی زبانهای ملی این کشور می باشند. همه قوانین به این دو زبان منتشر می شوند. اصل دو زبانه بودن همچنین توسط دادگاهها، ادارات، رئیس کشور، مجلس قانونگذاری و هیات وزیران اجرا می گردد.

۵- نظام پارلمانی عرفا دو گانه^{۱۳}

^{۱۲} عنوان این قانون به فنلاندی " Soumen perustuslaki " به سوئدی " Finlands grundlag " می باشد.

^{۱۳} در یک نظام دو گانه " dualiste "، دولت (نخست وزیر و وزیران) هم در برابر رئیس کشور و هم در برابر مجلس مسئولیت دارد در حالی که در نظام یگانه " moniste "، قوه مجریه فقط در مقابل مجلس پاسخگوست (مترجم).

سنت حقوق اساسی فنلاند بر پایه ی تعادل در توزیع اختیارات میان قوای کشور استوار است. فنلاندیها به سبب داشتن تجربه حکومتی که در آن، حاکم دارای اختیارات فراوانی بود، پس از استقلال، در سال ۱۹۱۹، از یک سو، حکومتی را برگزیدند که در آن رئیس جمهور دارای اقتدار فراوان است. از سوی دیگر، در قانون اساسی، به ویژگی پارلمانی این نظام نیز صحنه گذاشتند.

۶- مجلس قانونگذاری

از سال ۱۹۰۷، پارلمان این کشور^{۱۴} تک مجلسی است. دویست عضو مجلس، هر چهار سال یکبار در یک انتخابات همگانی، مستقیم و به شیوه تناسبی برگزیده می شوند. اکنون همه شهروندانی که به سن ۱۸ سال رسیده باشند، دارای حق رای اند. چندین سال است که نظام انتخاباتی فنلاند، به صورت فردی (تکنام) در آمده، انتخاب کننده، به یک نامزد معین در حوزه انتخاباتی خود که توسط یک گروه انتخاباتی (معمولاً یک حزب) معرفی شده، رای می دهد. آرای نامزد انتخاباتی به حساب گروه انتخاباتی اش گذاشته می شود. جمع آرای بدست آمده بوسیله گروه، تعیین کننده شمار نماینده برگزیده سیاهه انتخاباتی اش (به ترتیب آرای فردی اخذ شده) خواهد بود.

همه شهروندانی که دارای حق رای بوده، زیر قیومت نباشند حق نامزدی در انتخابات مجلس را دارند مگر نظامیان کادر، کارگزار عدالت، معاون و جانشین معاونش، ناظر پارلمانی و معاونانش، دادستان کل کشور، اعضای دیوان عالی کشور و دیوان عالی اداری.

مجلس متشکل از هیات رئیسه، کمیسیونها و نهادهای داخلی آن، بر اساس آیین نامه داخلی پارلمان مصوب ۱ مارس ۲۰۰۰ فعالیت می کند. در سال ۱۹۹۹، پس از نسخ قانون ارگانیک مجلس مصوب ۱۹۰۶، اصول عمده مربوط به پارلمان، در قانون اساسی ذکر گردید.

مجلس، رئیس مجلس و جانشینانش را که وظیفه هدایت و همکاری در سازماندهی فعالیتهای پارلمانی را برعهده دارند، بر می گزیند. در اداره مجلس، رئیسان کمیسیونهای پارلمانی از طریق هیات رئیسه کمیسیونها، کمیسیون دبیرخانه و منشی با رئیس مجلس و جانشینانش همکاری می کنند.

کمیسیونهای مجلس^{۱۵} که وظیفه بررسی مقدماتی لوایح و طرحها را برعهده دارند، دارای نقش عمده ای می باشند. اکنون مجلس دارای یک کمیسیون بزرگ "Grande Commission" [کمیسیون کامل مجلس] و ۱۴ کمیسیون تخصصی دایمی است. کمیسیونهای تخصصی یاد شده در قانون اساسی عبارتند از کمیسیون قانون اساسی، کمیسیون امور خارجه و کمیسیون دارایی. کمیسیونهای دایمی دیگری که فقط در آیین نامه داخلی مجلس ذکر شده اند شامل: کمیسیون امور اداری، کمیسیون قانون عادی، کمیسیون ارتباطات، کمیسیون کشاورزی و جنگلها، کمیسیون امور دفاعی، کمیسیون امور فرهنگی، کمیسیون اقتصاد، کمیسیون چشم اندازهای آینده، کمیسیون کار و برابری و کمیسیون محیط زیست، می باشند.

^{۱۴} پارلمان به فنلاندی "eudskunta"، به سوئدی "riksdag" و به نشست پارلمانی "riksmote" گفته می شود.

^{۱۵} کمیسیون مجلس به فنلاندی "valiokunta" و به سوئدی "utskott" می باشد.

هر لایحه یا طرحی پیش از بررسی ماهیتی در صحن مجلس، باید لزوماً توسط کمیسیونهای تخصصی مورد بررسی قرار گیرد، برعکس، مشارکت کمیسیون بزرگ در تدوین قانون، محدود بوده و اصولاً تشریفاتی است. در عین حال، کمیسیون اخیر به همراه کمیسیون امور خارجه، وظیفه بررسی و نظارت بر امور اتحادیه اروپا را بعهده دارد.

بنابر اصل ۳ قانون اساسی، مجلس دارای اختیارات گسترده است. این اختیارات عمدتاً شامل تصویب قانون و بودجه، تایید معاهدات و همچنین نظارت بر اعمال هیات وزیران می گردد.

در تصدی قوه قانونگذاری رئیس جمهور نیز مشارکت دارد. لایحه قانونی بوسیله ی دولت یعنی از طریق تصمیم مشترک رئیس جمهور و هیات وزیران به مجلس ارجاع می شود. نمایندگان مجلس نیز حق پیشنهاد تصویب قانون را از راه طرح قانونی دارا هستند. نقش اصلی مجلس، تدوین قانون است. قوانین عادی با دو شور مورد تصویب قرار می گیرند (اصل ۷۲ قانون اساسی)، در حالی که بازنگری و نسخ مواد قانون اساسی، افزون بر تصویب آنها از طریق اکثریت ویژه، نیازمند این است که تا نخستین نشست عادی مجلس دوره آینده و تصویب دوباره ی آنها معلق بماند.

اختیار بودجه ای مجلس، حق انحصاری و یکی از مهمترین امتیازات این نهاد است. بر اساس دیدگاههای کمیسیون دارایی، بودجه فقط پس از انجام یک شور، مورد تصویب مجلس قرار می گیرد.

معاهدات بین مللی حاوی آثار قانونی برای تصویب باید به صورت لایحه قانونی به مجلس تقدیم گردند (اصل ۹۵). این قراردادها با تصویب قانون در حقوق داخلی گنجانده می شوند. برای دیگر قراردادها، تصویب نامه رئیس جمهور کفایت می کند. در فنلاند روابط میان حقوق داخلی و حقوق بین مللی به شکل دوگانه (dualiste) است، مقررات عادی یا اساسی ذکر شده در یک معاهده حتا پس از تصویب آن براساس اصل ۹۴ قانون اساسی، اثری در حقوق این کشور نخواهند داشت مگر آنکه پیشتر بوسیله یک قانون یا یک تصویب نامه، به تایید رسیده باشند. هرچند این کشور در اصل تابع نظام دوگانه است اما شیوه تصویب معاهدات نشانگر پیروی این کشور به لحاظ آثار قراردادها از نظام یگانه (moniste) می باشد زیرا قانون یا تصویب نامه معاهده به مقررات آن اجازه می دهد که مستقیماً و بلافاصله در نظم حقوقی داخلی، قابل اجرا باشند و از یک وضعیت حقوقی مشابه با قوانین و تصویب نامه های عادی برخوردار گردند.

حق نظارتی مجلس، بطور سنتی از طریق سوالهای نوشته یا شفاهی انجام می شود و مسئولیت هیات وزیران در برابر مجلس از طریق استیضاح رقم می خورد (اصل ۴۳).

در خصوص مسایل مربوط به اتحادیه اروپا، نظارت پیشگیرانه مجلس در حال گسترش است. در واقع، به منظور حفظ نفوذ مجلس در خصوص موضوعاتی که بطور سنتی در صلاحیتش قرار داشت اما اکنون به نهادهای اتحادیه اروپا منتقل شده، لازم گردیده است که مجلس بتواند در مرحله تدارک و پردازش کشوری مسایل اروپایی و پیش از مرحله تصمیم گیری درباره ی آن در سطح اتحادیه، دخالت کند. بنابراین، سازو کار نظارت در امور اروپا برپایه بررسی این امور در کمیسیون بزرگ و کمیسیون امور خارجه مجلس استوار شده که وظیفه مشارکت در تدوین سیاست اروپایی فنلاند و سپس نظارت بر اجرای آن سیاستها را توسط هیات وزیران برعهده دارند (اصل ۹۶).

افزون بر اقدامات سنتی نظارتی پارلمان، مجلس دارای یک حق نظارتی ویژه است که به آن اجازه مراقبت بر تمامی امور کشور را می دهد^{۱۶}.

۷- جایگاه رئیس جمهور پیش از بازنگری ۱۹۹۹

رئیس جمهور پس از انتخابش به عنوان رئیس کشور در برابر حزب خود مستقل خواهد بود. وی مقامی است که در مسایل سیاسی روزمره دخالتی ندارد.

وی از سال ۱۹۹۴ در یک انتخابات مستقیم و همگانی برای یک دوره شش ساله که برای یک بار تمدید شدنی است، برگزیده می شود. تا بازنگری ۱۹۹۹، رئیس کشور فنلاند از یک مشروعیت بالایی برخوردار بود و درواقع نشانه یکپارچگی و وحدت کشور بود.

بنابر این، برغم قدرت فراوان مجلس، رئیس جمهور جایگاه مهمی در نظام سیاسی و ساختار قانون اساسی فنلاند داشت. در قوه مجریه دارای پایگاه مهمی بود. به سبب تفکیک بسیار نسبی قوا، در کار دیگر قوا مداخله می کرد و با هیات وزیران اختیارات مشترکی داشت. بر اساس یک عرف حقوقی در این کشور، در برابر قدرت فراوان مجلس و تزلزل کابینه های ائتلافی بی ثبات پس از جنگ دوم جهانی، رئیس جمهور، تبدیل به یک عامل توازن سازنده ای گردیده بود.

از این طریق، در واقع رئیس جمهور می توانست در برابر اختلافات ناشی از وجود احزاب متعدد، نقش یک داور را بازی کند. شایان گفتن است که پس از استقلال این کشور، شیوه انتخابات منجر به انشعاب احزاب و دست نیافتن آنها به اکثریت در مجلس می شد، این امر سبب پیدایش یک سنت اجماعی و تبدیل آن به ویژگی اصلی نظام سیاسی فنلاند گردید. بدین ترتیب که در یک بازی سیاسی مبتنی بر سازشها، رئیس کشور ماموریت رفع ضعفهای یک کابینه غالباً مرکب از ائتلافها و حل و فصل اختلافات مجلس با آنرا برعهده گرفت. وجود چنین نظام احزابی، باعث شد که رئیس جمهور از یک اعتبار فوق العاده ای برخوردار گردد.

رئیس جمهور علاوه بر اقتدارات عرفی یادشده، بر اساس قانون اساسی پیشین (ق.ا. ۱۹۱۹)، اختیارات قابل ملاحظه دیگری را نیز دارا بود. افزون بر داشتن عنوان متصدی عالی قوه مجریه، وی همچنین می توانست در امور قانونگذاری و قضایی دخالت کند. از این رو، حق تصمیم گیری در برخی امور را بصورت انحصاری یا مشترک در اختیار داشت.

۸- اختیارات رئیس جمهور بر اساس قانون اساسی جدید

^{۱۶} برای توضیح بیشتر بنگ به ص ۸ درباره ناظر پارلمانی (مترجم).

قانون اساسی جدید، اختیارات خاص رئیس جمهور را کاهش داده است. وی دیگر حق تصمیم گیری برای تشکیل هیات وزیران ندارد. او باید کسی را که مجلس برگزیده به عنوان نخست وزیر منصوب کند. وی همچنین باید کسانی را که نخست وزیر به عنوان اعضای هیات وزیران پیشنهاد کرده، منصوب نماید (اصل ۶۱). رئیس جمهور می تواند مجلس را منحل کند و دستور تجدید انتخابات را بدهد، اما این امر فقط به پیشنهاد نخست وزیر و پس از شنیدن نظرات گروه های پارلمانی خواهد بود (اصل ۲۶).

بطور سنتی، سکان سیاست خارجی با رئیس جمهور بود. ولی از این پس [از سال ۲۰۰۰]، وی در این زمینه حق انحصاری ندارد و برابر اصل ۹۳، با هیات وزیران بطور مشترک عهده دار این امر خواهد بود. در خصوص امور اروپایی اگر موضوع در صلاحیت مجلس نباشد، تصمیم گیری درباره ی آن با کابینه است. در مورد اخیر نیز رئیس جمهور، اختیاری ندارد.

رئیس جمهور مانند گذشته، فرمانده کل قوای نظامی در امور دفاع ملی است (اصل ۱۲۸). کارمندان، دادرسان، (اصل ۱۰۲)، دادستان کل کشور (اصل ۱۰۴) و مقامات عالی رتبه کشور (اصل ۱۲۶) توسط او منصوب می شوند.

معمولاً رئیس جمهور پس از پیشنهاد های هیات وزیران، تصمیمات لازم را اتخاذ می کند. اگر رئیس جمهور نظر دیگری داشته باشد مساله به کابینه بر می گردد. اگر موضوع مورد اختلاف، یک لایحه قانونی باشد، رئیس جمهور ناچار به پذیرش پیشنهاد جدید هیات وزیران خواهد بود (اصل ۵۸).

متون تصویب شده توسط مجلس جهت تایید به رئیس جمهور ارجاع می شود. اگر مصوبه مورد تایید وی نباشد، پارلمان دوباره به بررسی آن می پردازد. پس از بررسی دوباره، این مجلس است که دوباره تایید یا رد مصوبه بطور مستقل تصمیم گیری می کند (اصل ۷۷).^{۱۷}

رئیس جمهور، کابینه، وزیران و دیگر مقامات عمومی، حق تصویب آیین نامه را دارند در صورتی که یک ماده قانونی این اجازه را بدانها داده باشد (اصل ۸۰). بدین ترتیب، رئیس جمهور حق تصویب قانون را بطور مستقل و از طریق آیین نامه از دست داده است. گفتنی است که براساس یک عرف دیرینه در سوئد و فنلاند، موسسات و ادارات عمومی از طریق آیین نامه ابلاغی رئیس کشور اداره می شدند و به فعالیت می پرداختند. اما این رویه بتدریج در سالهای اخیر [پیش از سال ۲۰۰۰] در فنلاند منسوخ گردید. نتیجه این نسخ، اصل ۸۰ است که به معنی نقطه پایان این سنت است.

رئیس جمهور همچنان دارای اختیاراتی شخصی در امور دادگستری است. برپایه اصل ۱۰۵، وی دارای حق عفو مجرمان می باشد.

^{۱۷} رئیس جمهور فرانسه نیز حق پیشنهاد بررسی مجدد مصوبه را به پارلمان دارد. بر اساس اصل ۱۰ قانون اساسی این کشور « رئیس جمهور ظرف پانزده روز پس از تقدیم قانون مصوب به دولت، آنرا امضا و فرمان اجرای آنرا صادر می کند. وی پیش از سپری شدن این مهلت می تواند از مجلس درخواست تجدیدنظر در مورد کل قانون یا برخی از مواد آنرا بنماید... » (مترجم).

به دلیل برگزیده شدن رئیس کشور در یک انتخابات، وی شخصی مستقل بوده، در عمل، به لحاظ سیاسی و قضایی، مسئولیتی ندارد. تمام تصمیمات وی باید در کابینه اتخاذ شود و توسط وزیران مربوط که در برابر مجلس مسئولند، امضا گردد^{۱۸}.

هرگاه تصمیم رئیس جمهور خلاف قانون باشد، هیات وزیران پس از مشورت با کارگزار عدالت، موظف به اعلام عدم قابلیت اجرایی آن و درخواست از رئیس جمهور جهت انصراف یا تغییر آن تصمیم است (اصل ۱۱۲، بند ۲).

همانگونه که دیدیم، اختیارات ریاست جمهوری بطور قابل ملاحظه ای به سود کابینه محدود گشته است. بدین ترتیب، برابر قانون اساسی رئیس جمهور باید هماهنگ با کابینه عمل کند. در مبحث بعدی به روابط میان رئیس جمهور، مجلس و هیات وزیران می پردازیم.

۹- هیات وزیران

دومین مقام اجرایی پس از رئیس جمهور، دولت است که در فنلاند به آن هیات وزیران^{۱۹} گفته می شود. این هیات متشکل از نخست وزیر و حداکثر ۱۷ وزیر^{۲۰} است. بر اساس قانون مربوط به کابینه مصوب ۱۹۲۲ (اصلاح شده در چندین مرتبه)، شمار وزیران، به هجده نفر محدود شده است.

پیش از گزینش نخست وزیر، گروههای پارلمانی درباره برنامه دولت و ترکیب کابینه به بحث می - پردازند. رئیس جمهور پس از کسب آگاهی از رئیس مجلس، نامزد نخست وزیری را اعلام می کند. اگر این نامزد نیمی از آرای مجلس را بدست بیاورد، به عنوان نخست وزیر منصوب خواهد شد. در غیر اینصورت، فرآیند جدید نامزدی و انتصاب باید تکرار گردد (اصل ۶۱).

پیشنهاد برکناری به دنبال استیضاح نمایندگان مجلس، منجر به این خواهد شد که هیات وزیران یا یک وزیر بطور فردی اعتماد مجلس را از دست بدهد. در این صورت رئیس جمهور باید با استعفای کابینه یا وزیر موافقت نماید. به پیشنهاد نخست وزیر نیز، رئیس جمهور می تواند با برکناری یکی از اعضای دولت موافقت کند، بدون اینکه عضو یادشده چنین درخواستی کرده باشد (اصل ۶۴).

بنابراین، هیات وزیران یا هر یک از اعضای آن بطور فردی، به لحاظ سیاسی در برابر مجلس مسئول هستند (اصل ۶۰، بند ۲).

مدیریت امور بسیار مهم دولت با رئیس کشور است که وی با همکاری وزیران در این باره تصمیم - گیری می کند. هیات وزیران وظیفه اداره امور روزمره و جاری را دارد. این هیات موظف به فراهم کردن زمینه های اجرایی تصمیمات گرفته شده توسط رئیس جمهور در کابینه می باشد مانند تدوین لوایح قانونی مناسب.

^{۱۸} در فرانسه نیز رئیس جمهور در برابر پارلمان مسئولیت سیاسی ندارد به همین دلیل مطابق اصل ۱۹ قانون اساسی این کشور « تصمیمات رئیس جمهور بجز موارد پیش بینی شده در اصلهای ۸ (بند ۱)، ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۵۴، ۵۵، ۶۱ باید افزون بر امضای رئیس جمهور، به امضای نخست وزیر و در صورت لزوم به امضای وزیران مسئول برسد (مترجم).

^{۱۹} هیات وزیران به فنلاندی " valtioneuvosto " و به سوئدی " sttstrodet " می باشد.

^{۲۰} اکنون شمار وزیران با احتساب نخست وزیر، سیزده نفر است.

اما باید خاطر نشان کرد که این هیات اختیار تصمیم گیری در برخی امور را نیز بطور مستقل داراست مانند حق وضع آیین نامه و بویژه امور مربوط به اتحادیه اروپا. حق انتصاب کارمندان هم در صورتی که درباره آن مقررات خاصی حاکم نباشد، با هیات وزیران است.

هیات وزیران در تصمیم گیری در سطح ملی در خصوص امور اروپایی نقش مهمی را بازی می کند در این امر از همکاری مجلس نیز برخوردار است. بعلاوه در این خصوص نخست وزیر به عنوان نماینده فنلاند در نشست های شورای اروپا، همانند رئیس کشور جایگاه مهمی دارد^{۲۱}. برابر آیین نامه داخلی کابینه مصوب ۱۹۹۵، کارهای مقدماتی جلسات هیات وزیران در کمیسیونهای دائمی (کمیسیون سیاست خارجی و امنیت، کمیسیون دارایی، کمیسیون سیاستگذاری برای امور مالی) یا فوق العاده دولت صورت می گیرند.

جلسات هفتگی غیر رسمی موسوم به « مدرسه های شبانه Ecoles du soir »، به منظور تدارک تصمیماتی که فردای آن روز باید در هیات وزیران اتخاذ شود، تشکیل می گردند. مذاکرات انجام شده در این جلسات محرمانه و غیر رسمی، دارای اهمیت وافری هستند و سیاستهای مهم دولت را رقم می زنند.

در خصوص مسایل پراهمیت، هیات وزیران بصورت جمعی تصمیم گیری می کند. وزیران بطور فردی، فقط حق تصمیم گیری در امور جاری و امور روزمره را دارند. تقسیم وظایف میان هیات وزیران و وزارتخانه ها توسط آیین نامه داخلی کابینه و آیین نامه های مربوط به وزارتخانه های مختلف، صورت گرفته است.

هرچند در اصل، برابر قانون اساسی فنلاند، این کشور دارای یک رژیم پارلمانی است، اما در عمل، این قانون، تقسیم متوازن قوا و همکاری واقعی میان نهادهای سیاسی کشور را محقق کرده است. اینگونه سازماندهی نهادها که به منظور جلوگیری و کاهش اختلافات است، دربرگیرنده اصل قانونمندی نیز می باشد که بر اساس آن، امکان اجرای نظارت دوسویه و تنگاتنگ میان این نهادها فراهم شده است.

۱۰- نظام حقوق اساسی مبتنی بر قانونمندی

در واکنش به ستم روسها در واپسین سالهای تسلطشان بر فنلاند، اصل قانونمندی « le légalisme » در این سرزمین توسعه یافت، بدین مفهوم که نهادهای عمومی زیر نظارتهای چندگانه هستند تا اختیارات خود را با رعایت حقوق شهروندان و در چارچوب قوانین عادی و اساسی انجام دهند.

برای نمونه می توانیم به اصل مسئولیت کیفری و مدنی (خسارت و منافع) وزیران و کارمندان دولت اشاره کنیم. هر وزیر (همانند هر کارمند دولت) بطور فردی یا به عنوان عضو هیات وزیران مسئول قانونی بودن تصمیم خود می باشد. وی در برابر دیوان عالی عدالت (و کارمند دولت در برابر دادگاه اداری) مسئول خطای ارتكابی خود در اجرای وظیفه است (اصل ۱۱۴ و ۱۱۸). با این وجود، باید گفت که اصل مسئولیت وزیر فقط در برابر تخلفات سنگین مطرح می شود (اصل ۱۱۶).

^{۲۱} صدر اعظم های آلمان و اتریش و نخست وزیران ایتالیا، ایرلند و... نیز در نشست های شورا و اتحادیه اروپا، همین وضعیت را دارند (مترجم).

سرانجام شایان ذکر است که قانون اساسی جدید [۱۹۹۹] به این قاعده دیرین که وزیر دادگستری یا دست کم یکی از وزیران باید تحصیلات حقوقی داشته باشد، اشاره ای نکرده است.

۱۱- احترام به آزادیهای عمومی تضمین شده در قانون اساسی و رویه قوانین استثنایی

با الهام از پشتیبانی بین مللی حقوق بشر، مواد جدید فصل دوم قانون اساسی به گسترش و روزآمدی حمایت از آزادیهای عمومی، زیر عنوان حقوق و آزادیهای بنیادی^{۲۲} پرداخته است. حقوقی که مورد پشتیبانی قرار گرفته اند عمدتاً عبارتند از تساوی در برابر قانون که با اشاره به حق بر عدم تبعیض نیز تقویت شده (اصل ۶) و حمایت از اقلیتها شامل لاپونها «Lapons» و تسیگانها «Tsigans»، همچنین دیگر اقلیتها و افراد ناشنوا (اصل ۱۷، بند ۳). به قانون اساسی نوین، حقوق جدیدی همانند حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی افزوده شده اند که در گذشته فقط از حمایت قوانین عادی برخوردار بودند. جدیدترین این حقوق شامل حمایت از محیط زیست و میراث طبیعی (اصل ۲۰، بند ۱)، همچنین حمایت اجتماعی تضمین کننده حق بر امکانات اولیه زندگی [امرار معاش]، مراقبت های بهداشتی ضروری و حق مسکن (اصل ۱۹) که از ویژگیهای حقوقی دولتهای اسکاندیناوی می باشد. از این پس [از سال ۲۰۰۰]، همه ییگانگانی که به گونه ای زیر حاکمیت نظام حقوقی فنلاند باشند، می توانند به این حقوق و آزادیها که دیگر فقط به فنلاندها منحصر نیست، استناد کنند.

بنا بر اصل ۲۲ قانون اساسی، نهادهای عمومی، موظف به مراقبت از اجرای حقوق و آزادیهای بنیادی مقرر در این قانون و حقوق بشر یاد شده در معاهدات بین مللی که فنلاند متعهد به رعایت آن شده، می باشند. در هنگام جنگ یا در صورت پیدایش دیگر خطرات عمومی تهدید کننده زندگی ملت، می توان به صورت موقت قوانینی خلاف حقوق و آزادیهای بنیادی وضع کرد (اصل ۲۳).

با الهام از سنت دوران اتحاد فنلاند با امپراتوری روس، قوانین دوران استثنایی^{۲۳} می توانند در صورت تصویب براساس شیوه بازنگری در قانون اساسی، بطور صریح از مواد این قانون، تخطی کنند، بدون اینکه این مواد بطور رسمی تغییر یابند. این روش ابداعی برگرفته از اصل ۷۳ قانون اساسی پیشین، انعطاف زیادی به نظام حقوق اساسی این کشور بخشیده است.

همچنین اگر یک لایحه قانونی بدون اینکه مستقیماً ارتباطی با مواد قانون اساسی داشته باشد، با آنها مطابقت نداشته و مستلزم نقض مواد مربوط به ساختار دولت یا حاوی محدودیتی بر حقوق و آزادیهای بنیادی تضمین شده برای شهروندان مقرر در قانون اساسی باشد، فرایند تصویب آن، همانند بازنگری در قانون اساسی خواهد بود.

به دلیل اینکه از قوانین استثنایی عمدتاً جهت نقض حقوق بنیادی و بویژه حقوق مالکیت — موضوع مورد حساسیت شدید سیاسی در فنلاند — استفاده می گردد، تصویب آنها نیازمند رای مثبت پنج ششم نمایندگان مجلس است. به شرط تحقق این اکثریت، یک لایحه قانونی می تواند برغم مغایرت آن با قانون اساسی،

^{۲۲} به آزادیهای بنیادی، به فنلاندی "perusoikeudet" و به سوئدی "grundloggande friochruttigheter" گفته می - شود.

^{۲۳} در قانون اساسی ایران و فرانسه اشاره ای به قوانین استثنایی، مواقع و چگونگی تصویب آن نشده است (مترجم).

تصویب گردد. بدین ترتیب نتیجه می گیریم که اصول قانون اساسی، شدیداً مورد حمایت واقع شده و از آنها تفسیر بسیار مضیقی صورت می گیرد.

۱۲- یک سامانه شدیداً نظارتی

به دلیل داشتن یک سنت پایدار در قانونمداری برگرفته از دوره تسلط روس، نهادهای عمومی دارای حق نظارت وسیع متقابل شده اند که ممکن است به برخوردهای شدید سیاسی و حقوقی منجر شود. بنا بر اصول ۱۱۳ تا ۱۱۷ قانون اساسی، مجلس بوسیله نهادهای داخلی خود حق نظارت در تمام امور کشور را دارد^{۲۴} و بدین ترتیب این قوه، حق مداخله در فعالیت دیگر قوا را یافته است.

کمیسیون قانون اساسی موظف به فراهم کردن زمینه نظارت مجلس بر قانونی بودن مصوبات اعضای کابینه، کارگزار عدالت و ناظر پارلمانی و اظهار نظر در این باره می باشد.

نقش مهم دیگر این کمیسیون، تفسیر قانون اساسی است (اصل ۷۴). برپایه همین اصل، این نهاد، در طی یک عرف دراز مدت، به مرجع عالی تشخیص مطابقت قوانین عادی با قانون اساسی تبدیل گردیده است. درست است که در فنلاند [برخلاف ایران و فرانسه] یک دادگاه یا شورای قانون اساسی، شایسته بررسی مطابقت قوانین عادی با قانون اساسی وجود ندارد^{۲۵}، ولی یک نظام نظارتی انتزاعی و پیشگیرانه توسط کمیسیون قانون اساسی ابداع شده است. چنین عرفی سبب گردیده که در فرآیند قانونگذاری، هر گاه کمیسیونهای دیگر یا مجلس، به این کمیسیون جهت اظهار نظر مراجعه کنند، این کمیسیون بتواند به بررسی لوایح مورد تعارض با قانون اساسی بپردازد، بدون اینکه در باره صلاحیت خود در این زمینه به اصلی از اصول قانون اساسی استناد کند. بدین ترتیب، این کمیسیون به صورت شکلی و ماهوی بر مطابقت لوایح و طرحهای قانونی با قانون اساسی نظارت می کند. هر چند که جز در مورد اختلاف میان مجلس و رئیس مجلس، نظر این کمیسیون فاقد اثر حقوقی است و الزام آور نمی باشد (اصل ۴۲، بند ۲)، ولی در عمل، تمام نظرات آن، لازم الاتباع است.

اصل ۱۰۶ قانون اساسی مقرر می دارد که اگر دادگاهی ماده ای از یک قانون عادی را در تعارض آشکار با قانون اساسی تشخیص دهد، باید قانون اساسی را رعایت کند^{۲۶}. در هر صورت، چنانچه در این خصوص، تعارض فاحشی اثبات نشود، دادگاهها حق ندارند در باره مطابقت یک قانون عادی با قانون اساسی اظهار نظر کنند.

به هر حال، بعید به نظر می رسد که اصل جدید یادشده (اصل ۱۰۶)، آثار مهمی درباره نظارت بر مطابقت قوانین عادی با قانون اساسی داشته باشد.

۱۳- حق نظارتی مجلس

^{۲۴} برابر اصل ۷۶ قانون اساسی ج.ا. ایران نیز «مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد» (مترجم).

^{۲۵} با این وجود، بنگرید به اصل ۱۰۶ این قانون در همین بند.

^{۲۶} در ایران دادگاهها از چنین حق تفسیری برخوردار نیستند. بنگر به پانویس ش ۳۰ (مترجم).

رئیس مجلس می تواند بر مطابقت فعالیتهای مجلس با قانون اساسی مراقبت کند. به دلیل اصل بیطرفی، وی نمی تواند در مذاکرات و دادن رای مشارکت کند و فقط در جهت اجرای وظایف خود، حق دادن پیشنهادها را لازم را دارد (اصل ۴۲).

بازرسان حسابها (*les contrôleurs des comptes*) منتخب مجلس، بر اساس تحقیقات انجام شده توسط اداره بازرسی های مالی دولت و توضیحات و اطلاعات دریافت شده از دیگر مقامات، بر اداره دولت و مدیریت بودجه آن مراقبت می کنند (اصل ۹۰).^{۲۷}

ماموران بانکی (*les commissaires bancaires*) منتخب مجلس نیز بر اداره و فعالیتهای بانک فنلاند (*la Banque de Finlande*) و همچنین بر مدیریت سرمایه ها و اعتبارات تحت مسئولیت پارلمان نظارت کرده، آیین نامه های مربوط را وضع می کنند (اصل ۹۱).

۱۴- اختیارات نظارتی رئیس کشور، هیات وزیران و دیگر نهادهای نظارتی غیر قضایی در قانون اساسی جدید اصلی که به رئیس جمهور حق بازرسی بر ادارات را می داد و بدین عنوان وی می توانست درخواست اطلاعات و انجام تحقیق کند، نسخ گردیده است.

ناظر پارلمانی (*l'ombudsman parlementaire*)^{۲۸} که توسط مجلس به مدت چهار سال گمارده می شود، به عنوان پاسدار قانونی بودن امور، حق نظارت گسترده ای بر تصمیمات نهادهای اداری و قضایی دارد. وی بر رعایت حقوق و آزادیهای بنیادی و حقوق بشر مراقبت می کند. به عنوان یک مقام مستقل، بویژه در صورت ارتکاب خطا و یا سهل انگاری توسط یک قاضی یا یک کارمند دولت وارد عمل می شود و در این خصوص وی مرجع شکایات مردم است (اصل ۱۰۹).

کارگزار عدالت (*le chancelier de justice*)^{۲۹} توسط رئیس جمهور منصوب می شود. وی موظف به پاسداری از قانونی بودن اقدامات رئیس جمهور و هیات وزیران به لحاظ شکلی و ماهوی می باشد. او می تواند مراتب نقض قوانین ارتكابی توسط قوه مجریه را به مجلس اعلام کند که در این صورت دادگاه عالی " *la Haute Cour* " به پیگیری قضایی امر می پردازد. همچنین وی مانند ناظر پارلمانی، مرجع دریافت شکایات مردم درباره نقض قوانین ارتكابی توسط دادرسان یا کارمندان دولت است. او بر رعایت حقوق و آزادیهای بنیادی و حقوق بشر نیز نظارت می کند.

۱۵- مقامات قضایی

^{۲۷} برابر اصل ۵۵ قانون ج.ا. اساسی ایران نیز دیوان محاسبات که زیر نظر مستقیم مجلس است به کلیه حسابهای وزارتخانه ها، موسسات، شرکتهای دولتی و دیگر دستگاههایی که به نحوی از انحا از بودجه کل کشور استفاده می کنند رسیدگی یا حسابرسی می نماید (مترجم).

^{۲۸} ناظر پارلمانی به فنلاندی " *eduskunnan oikeusasiamies* " و به سوئدی " *riksdagens justitieombudsman* " می باشد.

^{۲۹} به کارگزار عدالت به فنلاندی " *valtionevoston oikeuskansleri* " و به سوئدی " *justitiekansleri statsrade* " ، گفته می شود.

دادگاه عالی " la Haute Cour " دادگاه ویژه ای است که در سال ۱۹۲۲ پایه ریزی شده است. وی به پیشنهاد مجلس به تخلف اعضای دولت از وظایف قانونی رسیدگی می کند. اگر یکی از اعضای دیوانهای عالی کشور " des Cours suprêmes " [دیوان عالی کشور و دیوان عالی اداری]، کارگزار عدالت یا ناظر پارلمانی متهم به تخلف در اجرای وظیفه شود، مساله به دادگاه عالی ارجاع می گردد (اصل ۱۰۱، ۱۱۴). در صورت خیانت رئیس کشور نیز، این دادگاه صالح به رسیدگی است (اصل ۱۱۳)۳۰.

بالاترین مقامات قضایی که مرکب از دیوان عالی کشور " la Cour suprême " و دیوان عالی اداری " la Cour suprême administrative " است، در فرآیند قانونگذاری وارد می شوند در صورتی که رئیس کشور پیش از دستور اجرای قوانین، از آنها درخواست اظهار نظر کرده باشد (اصل ۷۷).

اگر آیین نامه ای خلاف قوانین اساسی و عادی به نظر برسد، هر دادرس یا کارمند دولت موظف به عدم اجرای آن است (اصل ۱۰۷)۳۱.

۱۶- نتیجه

اصلاح قانون اساسی فنلاند [در سال ۱۹۹۹] حاوی آثار عمده ای بر وضعیت رئیس جمهور است و اختیارات خاص وی را بطور قابل ملاحظه ای کاهش داده است. با این وجود باید خاطر نشان کرد که نقش یک رئیس جمهور فقط به وضعیت حقوقی وی بستگی ندارد. اگر او از یک شخصیت مایه وری برخوردار باشد، برغم اختیارات اندک، قطعا در اداره دولت تاثیر گذار خواهد بود.

در تاریخ فنلاند، می توان به رئیسان جمهور قوی و وضعیتی بر خورد. هر چند که اختیارات آنها پس از تصویب قانون اساسی ۱۹۱۹ تا ۲۰۰۰ به یک اندازه بوده، اما برخی از این رئیس جمهورها، از این اختیارات بیشتر از دیگران استفاده کردند و اموری را که از اهمیت کمتری برخوردار بود، به هیات وزیران سپردند.

آقای اورهو ککونن « Urho Kekkonen » که به مدت ۲۵ سال مقام ریاست جمهوری فنلاند را عهده دار بود، بسیار به سیاست خارجی علاقمند و به صورت یکجانبه آنرا اداره می کرد، وی در سیاست داخلی کشور نیز فعال بود. ولی بر عکس، جانشینانش خانمها مائونو کویویستو « Mauno Koivisto » و مارتی اهیساری « Martti Ahtisaari » در ریاست جمهوری، روش دیگری را پیشه کردند. آنها حتا در جهت کاهش اختیارات رئیس جمهور گام برداشتند و این رویه در اصلاح قانون اساسی در سال ۱۹۹۹ چهره قانونی به خود گرفت.

۳۰ در ایران طبق بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، دیوان عالی کشور می تواند حکم به تخلف رئیس جمهور از وظایف قانونی صادر کند. براساس اصل ۶۸ قانون اساسی فرانسه نیز، رئیس جمهور برای اعمال انجام یافته در اجرای وظایف خویش، جز در صورت ارتکاب خیانت به کشور مسئول نیست. وی با رای اکثریت دو مجلس مورد پیگرد قرار می گیرد و توسط دیوان عالی عدالت متشکل از دوازده نماینده مجلس ملی و سناتور و سه قاضی دیوان عالی کشور محاکمه می گردد (مترجم).

۳۱ در ایران کارمندان از چنین حقی برخوردار نیستند و بر اساس اصل ۱۷۰ قانون اساسی فقط « قضات دادگاهها مکلفند از اجرای تصویبنامه ها و آیین نامه های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هر کس می تواند ابطال اینگونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند » (مترجم).

